

## دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا جلسه ۱۷، رستگاری، گزینش

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس الهیات یوحنا. این جلسه ۱۷، نجات، گزینش است.

ما به سخنرانی‌هایمان در مورد الهیات یوحنا ادامه می‌دهیم.

قبل از اینکه مرور کنم، بیایید دعا کنیم. پدر مهربان، ما از طریق پسر، ناجی و پروردگاران، به سوی تو می‌آییم. از تو به خاطر کلامت، هر بخش از آن، سپاسگزاریم. از تو به خاطر انجیل‌ها سپاسگزاریم. از تو به خاطر انجیل چهارم سپاسگزاریم. آن را به روی ما بگشا و ما را به روح و کار خود در زندگی‌مان باز کن. ما از طریق عیسی مسیح، واسطه دعا می‌کنیم. آمین.

الهیات یوحنا، تاکنون در مورد سبک یوحنا، ساختار انجیل یوحنا، یک مقدمه، یک بدنه منسجم از کتاب آیات و کتاب جلال، و سپس یک خاتمه در فصل ۲۱ صحبت کرده‌ایم. اهداف انجیل چهارم، در درجه اول بشارت، یک هدف ثانویه مربوط به گفتارهای وداع و دعای پایانی در ۱۷، تهذیب نفس است، و شاید یک هدف دفاعی سوم نیز وجود داشته باشد.

هفت تا از این «من هستم»ها وجود دارند، اما فقط سه معنی متفاوت دارند، و یوحنا ۱۴ و ۶ این سه معنی مختلف را خلاصه می‌کند. عیسی راه است، تنها نجات‌دهنده جهان. او حقیقت است، آشکارکننده خداست.

او حیات است، حیات بخش است، کسی است که به همه قوم خدا حیات جاودان می‌دهد، به طور متفاوت و به طور یکسان به هر کسی که به او ایمان دارد گفته می‌شود. او کسی است که ایمان می‌آورد؛ ما نشانه‌ها و معجزات عیسی را که از شخصیت او و جایگاه او در نقشه خدا سخن می‌گویند، مطالعه می‌کنیم. گفته می‌شود که زمان، زمان من هنوز نرسیده است.

سپس پایان ۱۲، آغاز ۱۳، زمان فرا رسیده است. زمان من فرا رسیده است. ۱۷:۱ نیز همینطور.

پاسخ‌ها به عیسی در مقدمه آمده است، همانطور که در بسیاری از مضامین دیگر، دو پاسخ به عیسی در آیات ۱۰:۱ و ۱۱ پاسخ‌های منفی و در آیات ۱۲ و ۱۳ پاسخ‌های مثبت داده شده است و این موضوع، طرح کلی کتاب را تشکیل می‌دهد. آیه ۱۲:۳۷ کتاب نشانه‌ها را از نظر پاسخ به عیسی خلاصه می‌کند. اگرچه عیسی در حضور آنها نشانه‌های دیگری نیز انجام داده بود، اما آنها همچنان طبق پیش‌بینی اشعیا به او ایمان نیاوردند و یوحنا حتی تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید آنها نمی‌توانستند ناتوانی او در تعلیم را باور کنند.

اما خوشبختانه، هدف بیان شده در یوحنا ۲۰:۳۰ و ۳۱ این است. این نشانه‌ها نوشته شده‌اند تا شما ایمان بیاورید که عیسی، مسیح، پسر خداست و با ایمان آوردن، به نام او حیات جاودان داشته باشید. این امر در کتاب جلال یا کتاب تعالی، همانطور که آندریاس کوستنبرگر آن را می‌نامد، در جایی که شاگردان به عیسی ایمان می‌آورند، ایمانشان تقویت و سپاسگزار می‌شود، به بهترین شکل و در هر صورت، محقق می‌شود.

ما از پاسخ مثبت شما سپاسگزاریم. شاهدان عیسی، به ویژه یحیی تعمید دهنده، دوباره در مقدمه معرفی شده‌اند و سپس در فصل پنجم و بعداً در فصل هشتم، عیسی در حال محاکمه است، محاکمه‌ای کیهانی، برخی آن را تمام زندگی او نامیده‌اند. بله، در اواخر کتاب محاکمه‌ای وجود دارد.

یوحنا آن را نادیده نمی‌گیرد، اما آن را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و نشان می‌دهد که عیسی تمام مدت در حال محاکمه بود و پدر شاهدان فراوانی به پسر عزیزش داد. خود پدر نیز مانند عیسی شهادت می‌دهد. شهادت دو شاهد درست است.

روح شهادت می‌دهد، پایان ۱۵. و شاگردان نیز. یحیی تعمید دهنده، عهد عتیق، به من یک دسته از دیگران داد، مانند یک زن سامری. من هفت دسته دارم، و اعتراف می‌کنم که ممکن است مصنوعی باشد.

تصاویر عیسی. ما تعدادی از آنها و همچنین تصاویری از کار نجات‌بخش او را مطالعه کردیم. سپس در مورد روح‌القدس و نقش او در انجیل چهارم فکر کردیم.

مینیمال، شبیه به انجیل‌های هم‌نوا در کتاب نشانه‌ها، کتاب جلال، آموزه‌ای پویا که در هیچ جای دیگر، کتاب مقدس ارائه نشده است. آموزه‌ای شگفت‌انگیز در عهد جدید، آموزه‌ای که تنها پس از پنطیکاست زمانی که عیسی روح‌القدس را بر کلیسا ریخت، امکان‌پذیر است. ای قوم خدا، ما از هفت دیدگاه مختلف در خود انجیل یوحنا، موضوعی را دیدیم که نادیده گرفته شده است.

یوحنا در مورد کلیسا آموزه‌ای دارد. عشق خدا باورنکردنی است. اکنون، در گزینش و حیات جاودان، پدر مردم را به سوی پسر جذب می‌کند، پسر آنها را در روز آخر برمی‌خیزاند، و پسر آنها را نگه می‌دارد و هیچ یک از آنچه پدر به او داده است را از دست نمی‌دهد.

و ما با آخرت‌شناسی، آموزه‌ی چیزهای آخر، به ویژه با تأکید بر «از پیش» که یوحنا در واقع بر آن تأکید می‌کند، و «به هنوز» به پایان می‌رسانیم. برگزیدگی. یوحنا فاقد سخنان پولس در مورد مقدر شدن یا تقدیر از پیش، برگزیدگی است.

اما او فاقد آموزه‌ی برگزیدگی، یعنی آموزه‌ی برگزیدگی، نیست. ما بارها به مغالطه‌ی مفهوم کلمه اشاره کرده‌ایم. این مغالطه به دو صورت عمل می‌کند.

یکی از آنها این است که اصرار داشته باشیم که هر کاربرد یک کلمه خاص همیشه معنای یکسانی دارد. این ممکن است، اما در انگلیسی مدرن ما معمول نیست. و در کتاب مقدس، معمولاً اینطور نیست.

بنابراین، الان که فکر می‌کنم، در نوشته‌های پولس، اغلب منظور از «مجمع» کلیسا، کلیسای محلی یا کلیسای جهانی است، اما منظور از آن، اجتماع یونانیان در آتن نیز بوده است. وقتی جمعیت در افسس آماده بودند تا او را ببلعند، منشی شهر گفت: «ببینید، ما یک اجتماع داریم، ما به عنوان یک ملت با هم.» ملاقات می‌کنیم و دادگاه‌ها و قوانین و مقررات داریم.

ما داریم مثل بربرها رفتار می‌کنیم. مشکل ما چیست؟ کلمه «جماعت» در آنجا به معنای کلیسای خدا، در عیسی و روح‌القدس، نبود. بلکه به معنای جماعتی از قوم خدا بود.

سوءاستفاده‌ی دیگر، مغالطه‌ی دیگری که از مفهوم کلمه استفاده می‌کند، می‌گوید برای داشتن یک مفهوم خاص باید یک یا چند کلمه‌ی کلیدی داشته باشید. این کلمات کلیدی نه تنها گاهی اوقات حتی مفهوم را منتقل نمی‌کنند، بلکه معمولاً کاملاً هم‌تک‌کانونی نیستند - یک کلمه کلیدی، یک معنی. اما همین مفهوم را می‌توان به روش‌های مختلف منتقل کرد.

ما این را در مورد آموزه‌های کلیسا دیدیم. یوحنا حتی یک بار هم از کلمه «کلیسا» استفاده نمی‌کند. اما کلیسا قوم خدا است، قومی که پدر به پسر داده است، تاک، شاخه‌های تاک، گوسفندان و غیره، کسانی که عیسی آنها را ستایش می‌کند، و این در دعای کاهن اعظم او در یوحنا ۱۷ آمده است.

بنابراین، در اینجا ما زبان برگزیدگی را که از پولس به آن عادت کرده‌ایم، نداریم. اما یک آموزه برگزیدگی داریم. یوحنا این آموزه را با سه تصویر، تشبیه و استعاره بیان می‌کند. الهیات کتاب مقدس نه تنها آموزه‌ها را از طریق داستان کتاب مقدس از نظر خلقت، سقوط، نجات و سپس احیا و کمال دنبال می‌کند.

همچنین بر نویسندگان مختلف کتاب مقدس و اصول اصلی آنها تمرکز دارد. ما با مجموعه آثار یوحنا حتی، دقیق‌تر کار می‌کنیم؛ ما فقط با انجیل او کار می‌کنیم. و در درون این مجموعه، تصاویر، استعاره‌ها مضامین، بن‌مایه‌ها و ایده‌ها را می‌بینیم. سه مورد از آنها آموزه برگزیدگی را منتقل می‌کنند: پدر، مردم را به پسر می‌دهد، که یک مضمون واقعاً برجسته در یوحنا است.

من نمی‌توانم شش جا را جا بگذارم، که چهار تای آنها در دعای بزرگ کاهن اعظم است. این مفهوم که پدر مردم را به پسر می‌دهد، دعا را تعیین می‌کند و آن را در یک زمینه الهیاتی قرار می‌دهد.

پسر در تمام کتاب مقدس، در یوحنا ۱۵، آیات ۱۶ و ۱۹، به طور منحصر به فردی مردم را انتخاب می‌کند. همانطور که کارل بارت دید، و همانطور که دی. ای. کارسون موافق است، عیسی عامل گزینش است.

و سپس این مضمون هویت پیشین یا مقدم کسانی که قوم خدا هستند، برگزیدگان، و کسانی که قوم خدا نیستند، غیر برگزیدگان، وجود دارد. این مضمون، همانطور که کاستنبرگر به من نشان داده است، برجسته‌تر از آن چیزی است که من متوجه شده بودم. در انجیل چهارم، گزینش، پدر، مردم را به پسر می‌دهد؛ ما آن را در فصل ششم می‌یابیم.

من نان حیات هستم، عیسی در یوحنا ۶:۳۵ می‌گوید. هر که نزد من آید، گرسنه نشود. هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نشود.

آمدن برای ما به معنای ایمان آوردن به عیسی تعریف شده است. اما به شما می‌گویم، شما مرا دیده‌اید و ایمان نیاورده‌اید. تمام این چیزهایی که پدر به من می‌دهد، به سوی من خواهد آمد.

بفرمایید. هر آنچه پدر به من عطا کند، به سوی من خواهد آمد. باید یوحنا ۶:۳۷ و ۳۹ باشد.

اشتباه من. هر آنچه پدر به من عطا کند، به سوی من خواهد آمد. همه برگزیدگان به من ایمان خواهند آورد، این معنی است.

و هر که نزد من آید، هرگز او را بیرون نخواهم کرد. او را حفظ خواهم کرد، نجات خواهم داد. به این می‌گویند امنیت ابدی، به نظرم بهتر است بگوییم حفظ.

چرا این را می‌گویم؟ امنیت ابدی به اندازه کافی پویا نیست. انگار پول در بانک است و می‌توانید هر طور که می‌خواهید زندگی کنید. و این درست نیست.

اگرچه من قصد ندارم اصطلاحات را تغییر دهم و آن را استقامت مقدسین می‌نامند. زیرا من از آسمان نازل نشده‌ام تا اراده خود را انجام دهم، بلکه اراده فرستنده خود را و این اراده فرستنده من است که از هر آنچه او به من داده است، چیزی از دست ندهم. دوباره همان مضمون وجود دارد.

عیسی افراد خاصی را به پسر داد. ببخشید، پدر افراد خاصی را به عیسی، پسر، داد ۳۹. این اراده پدری است که مرا فرستاد که من از تمام آنچه به من داده است چیزی را از دست ندهم، بلکه آن را در روز بازپسین برخیزانم. زیرا این اراده پدر من است که هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته باشد و من او را در روز بازپسین برخیزانم.

پدر، افرادی را به پسر می‌دهد. هرگز به ما گفته نمی‌شود که پدر چگونه این افراد را در اختیار دارد. او فقط آنها را تصاحب می‌کند.

او فقط آنها را انتخاب می‌کند، بنابراین آنها از آن او هستند. در انجیل چهارم هرگز اشاره‌ای به این نشده است که پدر آنها را انتخاب می‌کند زیرا پیش‌بینی می‌کند که آنها به او ایمان خواهند آورد. در واقع، ترتیب دقیقاً برعکس است.

هر آنچه پدر به من عطا کند، به سوی من خواهد آمد. برگزیدگان ایمان می‌آورند. آنها برای برگزیده شدن ایمان نمی‌آورند.

آنها انتخاب می‌کنند، آنها معتقدند، زیرا خدا آنها را برگزیده است. نقطه قوت الهیات سیستماتیک، نقطه ضعف آن است. نقطه قوت آن این است که امور را به نظم در می‌آورد.

به ما کمک می‌کند تا بفهمیم. نقطه ضعفش این است که چیزها را مرتب می‌کند. به ما کمک می‌کند.

با متن اصلی ندارم، منتقل نمی‌کنید. بنابراین، این تأکید بر حاکمیت می‌تواند مسئولیت انسانی را از بین ببرد. در انجیل یوحنا این طور نیست.

بنابراین، در نهایت به نوعی پارادوکس بین حاکمیت مطلق الهی و مسئولیت واقعی انسانی می‌رسید. می‌توانم از کلمات فانتزی استفاده کنم و بگویم، اوه، این فقط یک پارادوکس نیست. این یک تعامل پویا است.

و همینطور است، اما هنوز هم متناقض است. هنوز هم درک کامل هر کسی که به من ایمان بیاورد، فراتر از توانایی ماست. آیه ۳۵ هرگز تشنه نخواهد شد.

آیه ۳۷، تمام عطایای پدر به من، به سوی من خواهد آمد. در آیه ۳۵، آمدن به سوی عیسی، موازی با ایمان آوردن به عیسی بود. در هر صورت، ما همان تصویر از برگزیدگی را در آیه ۲۹:۱۰ می‌بینیم.

در اینجا ما مسئولیت انسانی را شکست خورده و حاکمیت الهی یکدیگر را در آغوش گرفته است. ۲۲:۱۰ در آن زمان، جشن تقدیس در اورشلیم برگزار شد. زمستان بود و عیسی در معبد، در رواق سلیمان، قدم می‌زد.

پس یهودیان دور او جمع شدند و از او پرسیدند: «تا کی ما را در تردید نگه می‌داری؟» «اگر تو مسیح هستی آشکارا به ما بگو. عیسی در پاسخ گفت:» من به شما گفتم، و شما باور نمی‌کنید، زیرا او کفر آنها را گناه می‌داند.»

سخنانی که به نام پدرم انجام می‌دهم، کارهایی که به نام پدرم انجام می‌دهم، درباره من شهادت می‌دهند. اما، شما گوسفندان من نیستید زیرا باور نمی‌کنید که او این را نمی‌گوید، اما این کاملاً درست است. و در واقع این بیشتر تأکیدی در یوحنا است.

اگر بینی‌ها را هم حساب کنید، متون بسیار بیشتری این نوع چیزها را می‌گویند و مردم را به خاطر بی‌ایمانی سرزنش می‌کنند، پس ما چنین چیزی داریم. اما شما ایمان نمی‌آورید چون جزو گوسفندان من نیستید. برگر سفارشی چهار مورد را در بر می‌گیرد که این موضوع در آنها صادق است.

آهان، این‌ها یادداشت‌هایی هستند. و اگر خدا بخواهد، به آن برمی‌گردم. قبل از اینکه دسر و پیش‌غذا را با هم مقایسه کنیم، باید چیزهای دیگری را روی میز بگذارم.

و به هر حال، شما ایمان نمی‌آورید، زیرا گوسفندان من نبودید. گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند. من آنها را می‌شناسم و آنها مرا پیروی می‌کنند.

من به آنها حیات جاودان می‌دهم و هرگز هلاک نخواهند شد و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را از دست من بگیرد. پدر من که آنها را به من داده است از همه بزرگتر است.

و هیچ‌کس قادر نیست آنها را از دست پدر بگیرد. من و پدر یکی هستیم. در صحبت از حفظ گوسفندان و نجات آنها، تمرکز بر این است.

در این فرآیند، عیسی از پدر یاد می‌کند و او را کسی که آنها را به او داده است، یعنی عیسی، می‌نامد. الهیات اصلاح‌شده اغلب به دلیل شروع با نوعی پیش‌فرض فلسفی از برگزیدگی و تفسیر آن از کتاب مقدس و در نتیجه نتیجه‌گیری‌هایی مانند اینکه شما نمی‌توانید رستگاری خود را از دست بدهید، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. شاید برخی این کار را انجام دهند، اما این اشتباه است.

این یک روش الهیاتی اشتباه است. کتاب مقدس برگزیدگی را تعلیم می‌دهد. خیلی چیزهای دیگر هم تعلیم می‌دهد.

این کار را با تعادل بسیار بهتری نسبت به هایپر-کالونینسم انجام می‌دهد. و همانطور که گفتم، در اینجا نکته اصلی این نیست که پدر به مردم پسر می‌دهد، بلکه در واقع به آن اشاره شده است، ماهیت غیررسمی. آن نشان می‌دهد که بخشی از ابزار جان است. بخشی از جهان بینی اوست.

این همان نگاهی است که او به زندگی دارد. و در این زمینه، در واقع، همانطور که در رومیان ۸ آمده است چه کسی برگزیدگان خدا را متهم خواهد کرد؟ پاسخ این است که هیچ‌کس. خدا کسی است که عادل می‌شمارد.

هیچ دادگاهی بالاتر از دادگاه او وجود ندارد. در اینجا، گزینش، یعنی پدری که افرادی را به پسر می‌دهد، در خدمت حفظ مقدسین خدا به کار می‌رود. این تعلیم کتاب مقدس است.

اما جای اصلی که می‌توان این مضمون برگزیدگی را که توسط پدران و سپردن مردم به پسر بیان می‌شود، بدون شک، در فصل ۱۷ یافت می‌شود. خدای من، چه دعای بزرگی. وقتی عیسی این کلمات را گفت، ۱۷:۱ چشمان خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت، پدر، ساعت فرا رسیده است.

این تحقق عظیم گفته‌های زمان است. پسر را جلال بده تا پسر تو را جلال دهد. حال که به او اختیار بر تمام بشر، در اینجا به معنای تمام بشریت، داده‌ای، پس برای چه منظوری؟ تا به همه کسانی که به او داده‌ای، حیات جاودان عطا کند.

اینجا دو دایره وجود دارد. پسر بر تمام موجودات زنده خداوند است. این بخشی از نقشه پدر است.

پدر به او اختیار هر انسانی را برای این منظور داده است، تا پسر به همه برگزیدگان، به همه کسانی که پدر به او داده است، حیات جاودان ببخشد. این درست در ابتدای دعا است و در تمام طول مسیر، ما همین مفهوم را داریم. ششم، من نام تو را به مردمی که از جهان به من عطا کردی، آشکار کرده‌ام.

آنها از آن تو بودند، و تو آنها را به من دادی، و آنها کلام تو را حفظ کرده‌اند. ۹: ۱۷، من برای جهان دعا نمی‌کنم، آیه ۸. وای. شبیه آیه ۲ به نظر می‌رسد. تو به پسر اختیار بر همه انسان‌ها را دادی، تا به کسانی که به او داده‌ای، حیات جاودان ببخشد.

اینجا، من برای دنیا دعا نمی‌کنم. البته، گاهی اوقات این می‌تواند بخش عمده‌ای از انجیل چهارم باشد. خدا دنیا را دوست داشت، نه اینجا را.

من برای دنیا دعا نمی‌کنم، بلکه برای کسانی دعا می‌کنم که تو به من داده‌ای، زیرا آنها از آن تو هستند. آیه جایی که برگزیدگان از دنیا متمایز هستند. و سپس ۲۴، آیه زیبای نزدیک به نتیجه‌گیری ۹،

ای پدر، آرزو دارم کسانی که به من بخشیده‌ای نیز در جایی که من هستم با من باشند تا جلالی را که به من بخشیده‌ای، ببینند، زیرا پیش از بنیاد جهان مرا دوست داشتی. همانطور که قبلاً گفتیم، او این دعا را از این منظر که قبلاً آن را به پدر بازگردانده است، انجام می‌دهد. او می‌خواهد افرادی که پدر به او داده است برگزیدگان، در حضور پدر با جلال با او باشند.

رستگاری در انجیل چهارم به طور مکرر و برجسته‌ترین وجه با مضمون بخشیدن مردم توسط پدر به پسر بیان شده است. دعای بزرگ بشارتی ۱۷ با گزینش الهی هدایت می‌شود. آه، این یک دعای بشارتی است.

من فقط برای اینها دعا نمی‌کنم، بلکه برای کسانی که از طریق کلام آنها به من ایمان خواهند آورد. آیه ۲۰، یک دعای تبلیغی است، اما دعای تبلیغی مبتنی بر فیض مطلق خداوند است که در بخشیدن مردم توسط پدر به پسر نمایان می‌شود، که صریحاً گفته شده که منظور همه مردم نیست. ما این را چند بار گفته‌ایم، اما بسیار غیرمعمول و بسیار مورد غفلت قرار گرفته است.

دوباره و به جا اینجا تکرار می‌کنم. دومین مضمون انتخاب در یوحنا ۱۵ است، جایی که عیسی، تنها در تمام کتاب مقدس، تنها در اینجا، منحصرأ در اینجا، بانی انتخاب است. متن، انتخاب نیست.

زمینه میوه می‌دهد. او، خدا کنترل امور را در دست دارد. پدر باغبان است.

پسر، تاک است. او کمال اسرائیل است. او جایگزین اسرائیل است.

تا زمانی که رومیان ۱۱ را درک کنید، هدایا و دعوت خدا به اسرائیل غیرقابل بازگشت است. او هنوز کار خود را با قوم بنی‌اسرائیل و شاید با ملت اسرائیل تمام نکرده است. این نکته قابل بحثی است، اما عیسی نان حقیقی از آسمان است.

او نور حقیقی و تاک حقیقی است. این به آن معنا نیست که اسرائیل سلف دروغین بود. بلکه به این معناست که اسرائیل ناقص بود.

اسرائیل پادشاهی را نیاورد. اسرائیل در مسئولیت خود برای نور بودن برای ملت‌ها شکست خورد. اسرائیل در مسئولیت خود برای تولید میوه خوب در تاکستان خدا، اشعیا به عنوان تاکستان خدا، اشعیا ۵، شکست

خورد. بنابراین، پسر جای اسرائیل را می‌گیرد، و در این زمینه بارها و بارها، مسئولیت کسانی است که در تاک هستند، یعنی کسانی که از بیرون با عیسی مرتبط هستند، کسانی که قوم عهد او هستند، اگر بخواهید، در او بمانند.

بارها و بارها، یوحنا هرگز دقیقاً آن را تعریف نمی‌کند، اما وقتی می‌گوید، در عشق من بمانید، به همان اندازه به آن اشاره می‌کند. آیه ۹: همانطور که پدر مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام. در عشق من بمانید.

ماندن به معنای ادامه دادن به رفاقت با عیسی است. این فقط به معنای صدا زدن نام او یا اقرار به ایمان به او نیست. بلکه به معنای ادامه دادن به رابطه نزدیک با عیسی، در رفاقت با عیسی است.

به عبارت دیگر، این تصویری از رستگاری است. و انسان‌ها مسئولند که در آن بمانند. این همان اصل مطلب است، مسئولیت انسانی.

و هشدار داده شده است. اگر این کار را نکنید، طبق رسم تاکستان‌های فلسطینی در قرن اول، در فصل برداشت پاییزی مانند شاخه‌ها جمع خواهید شد و در آتش انداخته شده و سوزانده خواهید شد. ما اینجا دربارۀ بهشت و جهنم صحبت می‌کنیم.

بنابراین، هیچ تأکیدی بر حاکمیت خدا وجود ندارد، درست است؟ اشتباه است. فکر می‌کنم شاید، نمی‌دانم چرا، اما حدس می‌زنم، شاید، برای اینکه دچار سوءتفاهم نشویم و آونگ را کاملاً به سمت آزادی انسان نچرخانیم و حاکمیت خدا را کنار نگذاریم، در مورد حاکمیت عیسی صحبت می‌کنیم. شما مرا انتخاب نکردید، آیه ۱۶ از یوحنا ۱۵.

البته، آنها او را انتخاب کردند. در نهایت، در نهایت، او آنها را انتخاب کرد. اما من شما را برگزیدم و مقرر کردم که بروید و میوه بیاورید و میوه شما بماند.

آها، در پسِ ثمردهی آنها، انتخاب و انتصاب اوست. می‌توانید آن را به عنوان انتصاب او، نظم و ترتیب امور، ترجمه یا حداقل توضیح دهید. او میوه‌دهی آنها را مقدر می‌کند.

شما مرا برگزیده‌اید، بلکه من شما را برگزیده‌ام و شما را مأمور کرده‌ام که بروید و میوه بیاورید و میوه‌تان بماند. اعتماد نهایی آنها به ماندنشان نیست. آنها باید این کار را انجام دهند.

و همانطور که مشخص است، یوحنا به توانمندسازی روح اشاره نمی‌کند، اما این حقیقت است. این اتفاق خواهد افتاد. در واقع، قبلاً هم افتاده است، بنابراین او به آن اشاره کرد، فقط نه بلافاصله در این زمینه.

او بعد از اینکه می‌گوید دنیا از او متنفر است و از شاگردانش هم متنفر خواهد بود، تکرار می‌کند که ۱۹. اگر شما از دنیا بودید، دنیا شما را مانند کسان خود دوست می‌داشت. اما چون شما از دنیا نیستید، چگونه این را توضیح دهیم؟ انتخاب آنها برای پیروی از عیسی؟ خب، بله.

اما نه در نهایت، شما اینطور توضیح نمی‌دهید. اما چون من شما را از بین دنیا انتخاب کردم، بنابراین دنیا از شما متنفر است. اوه، این شبیه فصل ششم به نظر می‌رسد.

آیا من شما دوازده نفر را انتخاب نکردم، و یکی از شما شیطان است؟ این یکی نیست. در اینجا، یهودا هم حضور دارد، و صحبت از انتخاب شاگردان او است. این دقیقاً همان زمینه است.

بسیاری از شاگردانش برگشتند و دیگر از او پیروی نکردند. وقتی او درباره خوردن گوشتش، نوشیدن خونس و برخی سخنان تقدیری صحبت کرد، این سخنان او و شاگردانش را آزرده و آنها آنجا را ترک کردند. در اینجا . انتخابی وجود دارد تا آنها دیگر به دنیا تعلق نداشته باشند، بلکه به پدر تعلق داشته باشند

. عیسی مسیح نویسنده‌ی «برگزیده شدن» است. شما می‌خواهید به طور مفصل به آن پردازید. دی. ای. کارسون، حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی.

به عنوان فرعی، «دیدگاه‌های کتاب مقدس، نیت» توجه کنید. یک تناقض، یک پارادوکس وجود دارد. این فراتر از توانایی درک ماست.

و بنابراین، ما می‌توانیم، با پیروی از راهنمایی کارسون در کتابی که به آن اشاره کردم، بهترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم تعیین پارامترها است. خداوند در هر اتفاقی که می‌افتد، کاملاً حاکم است. انسان‌ها واقعاً . مسئول هستند و گاهی اوقات این دو دیدگاه با هم همپوشانی دارند

برادران یوسف در فروختن او به تاجر به خائنین گناهکار بودند، با این حال یوسف می‌توانست در فصل‌های ۴۵ و ۵۰ سفر پیدایش بگوید: «شما مرا به مصر نیاوردید، بلکه خدا آورد.» البته، آنها او را به اینجا آوردند ۴۵. در نهایت، آنها مسئول نبودند

خدا گناه آنها را نادیده گرفت. او بانی گناه نیست، اما گاهی اوقات از شر برای خیر استفاده می‌کند، و این کاری است که او انجام داد. شما آن را برای شر در نظر گرفتید

. من این نقل قول‌ها را از پیدایش ۴۵ و ۵۰ دارم. مطمئن نیستم کدام درست‌تر است، اما هر دو آنجا هستند. شما از آنها قصد بدی داشتید

خدا آن را به خیریت اراده کرده بود. این همان علیت دوگانه است. همان رویداد، گناه برادران یوسف بود و مشیت الهی بود که به جلال خدا و حفظ و نگهداری قوم عهد منجر می‌شد و آنها را قادر می‌ساخت تا وجود داشته باشند و ادامه دهند، زیرا خدا در نهایت آنها را در خروج بزرگ هدایت می‌کند

صلیب مسیح نمونه‌ای عالی از علیت دوگانه است. طبق اعمال رسولان ۲ و ۴، عیسی به دست مردان شرور مصلوب شد، اما آنها کاری را انجام دادند که خدا برایشان مقدر کرده بود. گناه انسان، حاکمیت الهی و مشیت الهی بر شر غلبه می‌کند و بزرگترین عمل شر، بزرگترین خیر را به بار می‌آورد

و باز هم می‌گویم، ما نمی‌توانیم خدا را در این عملکرد به طور کامل درک کنیم. می‌توانیم پارامترهایی مانند حاکمیت مطلق الهی، مسئولیت واقعی انسان، همپوشانی و علیت دوگانه را تعیین کنیم؛ حداقل برخی از اعمال در کتاب مقدس به این شکل توضیح داده شده‌اند و موارد بیشتری نیز وجود دارد. در اشعیا، آشور . عصای خشم خداست که پادشاهی شمالی، اسرائیل، را مجازات می‌کند

گناه اسرائیل، آزادی از دست رفته آنها و مسئولیتشان، داوری آشوریان را به همراه دارد. خداوند با اقتدار از آشور استفاده می‌کند. سنحاریب نگفت، بگذار ببینم، خداوند می‌گوید، داری شوخی می‌کنی؟ نه، او بی‌رحمانه پادشاهی شمالی را نابود کرد

و سپس خدا می‌گوید، و من با چوب خشم خود مجازات خواهم کرد. این نوسان، مسئولیت انسانی، حاکمیت الهی، مسئولیت انسانی، فراتر از توانایی درک ماست. اما می‌توانیم پارامترهایی را تعیین کنیم

حاکمیت مطلق الهی درست است، اما ما آن را رد می‌کنیم. ما جبرگرایی را رد می‌کنیم. تفاوت بین این حاکمیت مطلق الهی و جبرگرایی چیست؟ تفاوت این است که خدای واقعیت، خدای کتب مقدس، خدای مشیت الهی، خدای رستگاری یک شخص است. او ویژگی‌هایی دارد، می‌توان به او اعتماد کرد.

ما اسپر هوس‌های سرنوشت یونانیان نیستیم. نه، نه، خدا مسئول است. خدا مسئول است، خدایی که با اسرائیل پیمان می‌بندد و خود را به قومش متعهد می‌کند.

از سوی دیگر، مسئولیت واقعی انسان وجود دارد. اما چیزی که فیلسوفان آن را قدرت مطلق می‌نامند، در مقابل آن وجود ندارد. مخلوق در نهایت اراده خالق را خنثی نخواهد کرد.

و این دقیقاً ما را به این نکته می‌رساند. در انجیل یوحنا سه تصویر از برگزیدگی وجود دارد: پدری که افرادی را به پسر می‌دهد، تصویر اصلی که در چندین مورد دیده می‌شود، و حضور قدرتمند آن در فصل ۱۷. به طور منحصر به فرد در فصل ۱۵، آیات ۱۶ و ۱۹، که پسر عامل برگزیدگی است.

تصویر سوم، هویت پیشین قوم خدا و کسانی است که قوم خدا نیستند، زیرا ظاهراً، با انتخاب برخی، خدا برخی دیگر را انتخاب نکرده است. زبان رومیان ۹، خدا را به طور مساوی در پشت سرنوشت مردم قرار می‌دهد. اما به شکلی که من می‌گویم، من از خواندن، شنیدن یا خواندن افکار همکار ارشدم در مدرسه علمیه کاوننت در آن زمان، دیوید جونز، که از آن زمان به نزد خداوند رفته است، بسیار خوش شانس بودم.

او از اصطلاحات من استفاده نکرد، اما ما دقیقاً همین را آموزش دادیم. خدا مسئول سرنوشت همه است. او پشت سرنوشت همه ایستاده است، اما او این کار را می‌کند، زبان من نامتقارن است.

او در مورد برگزیدگان، پیشگیرانه عمل می‌کند. در مورد غیر برگزیدگان، او صرفاً فرمان می‌دهد، تعیین می‌کند نقشه می‌کشد تا به آنها اجازه دهد آنچه را که گناهانشان سزاوار آن است، درو کنند. آنها ظروف خشم هستند که از قبل برای نابودی آماده شده‌اند.

این یک امر منفعل و آماده است. پولس در مورد ظروف رحمت می‌نویسد که مقدسین ظروف رحمتی هستند که او از قبل برای جلال آماده کرده است. یعنی خدا در انتخاب قوم خود پیشگیرانه‌تر عمل می‌کند.

اما در انتخاب، همه را انتخاب نکرد. و با انتخاب برخی، از برخی دیگر چشم‌پوشی کرد. یوحنا ۱۷، ای پدر، تو پسر را بر همه بشر خداوند ساختی تا به کسانی که به او بخشیده‌ای، حیات جاودان بخشند.

ما این را می‌بینیم، و متأسفم، متأسفم نیستم. به آن تقدیر دوگانه می‌گویند. این هم یک نمودار دیگر.

یک دایره بزرگ، کنترل خداوند بر هر چیزی است که اتفاق می‌افتد. ما آن را از پیش مقدر شده می‌نامیم. یعنی خداوند از قبل مقدر کرده است.

دایره بزرگ. و چیزهای زیادی در آن دایره وجود دارد، از جمله کنترل مشیت الهی. مشیت او مقدس‌ترین حکیمان‌ترین و قدرتمندترین اوست که همه مخلوقات و همه اعمال آنها را حفظ و اداره می‌کند.

کاتشیزم وست‌مینستر شورتر به این سوال پاسخ داد که مشیت الهی چیست؟ این مقدس‌ترین، خردمندترین و قدرتمندترین ذات خداست که همه مخلوقات و اعمال آنها را حفظ، نگهداری، مدیریت و به سوی اهداف

خود هدایت می‌کند. مشیت الهی در حلقه بزرگ پیشگویی جای می‌گیرد. اما ما به زیرمجموعه دیگری در حلقه پیشگویی علاقه‌مندیم و آن تقدیر الهی است.

و من آن را از خودم درنیاورده‌ام. آیا می‌توانم بگویم که آن را دوست ندارم؟ نمی‌توانم این را بگویم چون کتاب مقدس آن را تعلیم می‌دهد. این آموزه مورد علاقه من نیست، اما پولس آن را تعلیم می‌دهد.

اول پطرس باب ۲ این را تعلیم می‌دهد. پولس نه تنها در فصل ۹، بلکه در اوایل فصل ۱۱ رومیان نیز آن را تعلیم می‌دهد. همانطور که کاستنبرگر به من نشان داد، یوحنا در چهار جا به آن اشاره کرده است.

یوحنا ۱۰:۲۶. شما ایمان نمی‌آورید چون از گوسفندان من نیستید. دوباره می‌گویم.

می‌توانید آن را تغییر دهید. نمی‌گویم که ما اینجا این کار را انجام می‌دهیم و متن را تغییر می‌دهیم، اما این حقیقت است. شما گوسفند من نیستید چون ایمان ندارید.

این حقیقتی است که در انجیل چهارم بیشتر به آن اشاره شده است. نه خود کلمات، بلکه ایده‌ی آن. مردم به دلیل بی‌ایمانی خود گمراه شده‌اند.

روش اصلی یوحنا برای صحبت در مورد گناه، بی‌ایمانی است، گاهی اوقات به عیسی ایمان نمی‌آورد یا به اندازه کافی به عیسی ایمان ندارد. اما این چیزی نیست که او اینجا می‌گوید. شما ایمان نمی‌آورید چون گوسفندان من نیستید. گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند. من آنها را می‌شناسم. آنها از من پیروی می‌کنند.

من به آنها حیات جاودان می‌دهم، و آنها هرگز، هرگز هلاک نخواهند شد. نکته اینجاست. سومین مضمون برگزیدگی در انجیل یوحنا، هویت پیشین برگزیدگان خدا و غیربرگزیدگان است.

من آنها را گوسفند و بز می‌نامم. گوسفندان قبل از اینکه ایمان بیاورند، گوسفند هستند، و به یک معنا، آنها ایمان می‌آورند چون گوسفند هستند. البته، در مورد دیگر، می‌توانید جمله را برعکس کنید، و این در انجیل یوحنا صادق است.

آنها گوسفند هستند چون ایمان دارند. اما اینجا، پرده کنار رفته و ما پشت صحنه هستیم و نقشه خدا را می‌بینیم. نه کاملاً، نه به‌طور کامل، اما حقیقتاً.

گوسفندان من به من ایمان دارند. آنها از من اطاعت می‌کنند. من به آنها حیات جاودان می‌دهم.

آنها برای همیشه نجات خواهند یافت. شما در نهایت ایمان نمی‌آورید، چون گوسفندان من نیستید. اوه، پسر.

در نهایت، این موضوع من را به دردمس می‌اندازد. دلایلی که مردم نجات می‌یابند. یک بررسی الهیاتی سیستماتیک که بزرگتر از انجیل یوحنا است.

در نهایت، مردم نجات می‌یابند زیرا خدا آنها را قبل از خلقت جهان برای نجات برگزید. افسسیان ۱:۴. زیرا خدا قبل از اعصار ابدی به ما در مسیح عیسی فیض بخشید، دوم تیموتائوس ۱:۹. ما در آن زمان وجود نداشتیم.

کتاب مقدس هرگز نمی گوید که خدا واکنش ما را پیش بینی کرده و انتخاب خود را بر اساس آن قرار داده است. بلکه می گوید که او با فیض مطلق خود، ما را برای نجات انتخاب کرد. این درست است.

آیا این هم درست نیست که افرادی که به عیسی ایمان دارند نجات می یابند؟ البته که درست است. دلیل اصلی، انتخاب ما توسط خدا است. این، این واقعیت را که ما مجبور بودیم به عیسی ایمان بیاوریم، باطل نمی کند.

این باطل نمی کند. در واقع، گاهی اوقات یک رابطه علت و معلولی وجود دارد. همه اینها برای زندگی ابدی مقدر شده اند.

اعمال رسولان. من آن را گم کرده ام. تمام کسانی که برای حیات ابدی مقدر شده بودند، ایمان آوردند.

اعمال رسولان. آه، خداوند با گناهکاران نیکوست. اعمال رسولان ۱۳:۴۸

هر که برای حیات جاودان مقرر شده بود، ایمان آورد. بنابراین، ما برگزیدگان خدا هستیم که در ایمان پیش می رویم. در نهایت، ما نجات یافته ایم زیرا، اول از همه، ما نجات یافته ایم زیرا به خداوند عیسی مسیح ایمان آوردیم.

حالا من آن را دریافت کردم. من دستور انجام این کار را دریافت کردم. ما نجات یافتیم زیرا ایمان آوردیم.

آیا این دلیل نهایی است؟ آیا این درست است؟ بله، درست است. و هیچ چیز دیگری که بگویم این را تضعیف نمی کند. آیا این دلیل نهایی است؟ خیر.

ما خیلی بهم ریخته ایم. نمی توانستیم ایمان بیاوریم و روح القدس قلب های ما را باز کرد. او در همان لحظه به ما زندگی تازه ای بخشید، اما ما را قادر ساخت تا ایمان بیاوریم.

کار روح. آیا این دلیل نهایی است؟ خیر. روح فقط به این دلیل کار خود را اعمال می کند که عیسی مرد و دوباره زنده شد.

انجیل کار روح نیست. انجیل باور من نیست. نه.

من به خاطر کار روح القدس در انجیل ایمان دارم. بنابراین، فراتر از ایمان من و گشودن قلب من توسط روح القدس، مرگ و رستاخیز عیسی برای نجات گناهکارانی مثل من و شما، حقیقتی نهایی است. آیا این جمله، جمله نهایی است؟ خیر.

کلام نهایی این است که پیش از بنیان جهان، خدا ما را در مسیح برگزید. افسسیان ۱، ۴. دوم تیموتائوس ۱ رومیان ۹. من قصد ندارم به همه این جاها بروم. آیا هیچ یک از دلایل نهایی تر، دلایل کمتر نهایی را بی اثر ۹. می کنند؟ نه، اینطور نیست.

و باز هم، این تا حدودی مرموز است. اما، و من الان می خواهم به جنبه منفی آن پردازم. مردم به این دلیل گمراه می شوند که در گناهان خود می میرند.

رومیان ۸. یوحنا ۸، مرا عفو کن، دو بار. یوحنا ۸:۲۱، و دو بار در ۲۴. یوحنا ۸:۲۱.

یوحنا ۸:۲۴. در گناهان خود بمیرید، در گناهان خود بمیرید. همین الان، مردم گمراه شده‌اند چون به عیسی ایمان ندارند.

آیا این دلیل نهایی است؟ گناه شخصی. گناه واقعی. اصطلاح الهیاتی

اگر متون مربوط به جهنم را مطالعه کنید، این دلیل معتبری است که مردم به خاطر گناهانشان به جهنم می‌روند. آیا این دلیل نهایی است؟ خیر. پیدایش ۳ ثبت می‌کند و رومیان ۵ آموزه گناه نخستین را توضیح می‌دهد.

آدم برای همه ما در حال آزمایش بود. وقتی او سقوط کرد، ما سقوط کردیم. سقوط او ما را توانمند کرد، ناتوان کرد، باعث شد که فاسد شویم، از نظر معنوی آلوده شویم و در برابر خدا گناهکار باشیم و نتوانیم. خود را نجات دهیم.

مردم به خاطر بی‌ایمانی‌شان گمراه شده‌اند. مردم به خاطر گناه واقعی، به خاطر گناه نخستین، گمراه شده‌اند. آیا این جمله‌ی نهایی است؟ خیر.

آنها بر روی صخره لغزش و صخره خطا، اول پطرس ۲، می‌لغزند، زیرا شاید آیه ۹ باشد. برای این، آنها مقدر شده بودند. طرد شدن. این نمودار من است، تمام شد.

دایره بزرگ، تقدیر الهی. در درون آن، مشیت الهی و بسیاری از اعمال حاکمیتی دیگر خداوند قرار دارد. زیرمجموعه تقدیر الهی.

تقدیر دوگانه. تقدیر مثبت، گزینش است. خدا قومی را برای خود برمی‌گزیند.

به عبارت دیگر، تقدیر منفی، طرد شدن نامیده می‌شود. خدا در انتخاب برخی از مردم از آنها چشم‌پوشی کرد؛ او برخی دیگر را انتخاب نکرد. آنها ظرف‌های رحمت هستند که از قبل برای جلال آماده شده‌اند. رومیان ۹. آنها ظرف‌های غضب هستند.

ظروف رحمتی که او از قبل برای جلال آماده کرده بود، فعال‌تر. آنها ظروف غضب هستند که برای نابودی آماده شده‌اند. رومیان ۱۱، در اوایل، اسرائیل از برگزیدگان و دیگران تشکیل شده است.

برگزیدگان و مطرودان. سومین تصویر یوحنا از برگزیدگی، یعنی برگزیدگی مثبت، هویت پیشین قوم خدا است. ما آن را در یوحنا ۱۰ می‌بینیم.

گوسفندان من به من ایمان دارند، از من اطاعت می‌کنند و من آنها را حفظ می‌کنم. ما این را در یوحنا ۸، آیه ۴۲. در تمام آن مسابقه کشتی بین عیسی و رهبران یهودی نیز می‌بینیم. می‌دانم که شما یهودی هستید، ۴۲.

می‌دانم که شما از نسل ابراهیم هستید، اما از نظر شیوه زندگی، خویشاوند او نیستید. شما بنی اسرائیل واقعی نیستید. ۸:۴۲، اگر خدا پدر شما بود، مرا دوست می‌داشتید.

کسانی هستند که حتی قبل از ایمان آوردن، فرزندان خدا هستند. من متوجه شده‌ام که کتاب مقدس می‌گوید شما ایمان می‌آورید و فرزند خدا می‌شوید. همچنین این موضوع هویت پیشینی یا قبلی را آموزش می‌دهد و ما باید آن را در تصویر کلی بگنجانیم.

خدای من. ما قبلاً به ایمان پرداختیم و دیدیم که چقدر برجسته است و واقعیت ایمان و کفر را تأیید کردیم. اکنون ما برگزیدگی را تأیید و آموزش می‌دهیم.

ببینید، این یک واقعیت در این سه تصویر است. قوم خدا گوسفندان هستند. آنها فرزندان خدا هستند.

به همین دلیل، گوسفندان ایمان می‌آورند. به همین دلیل، فرزندان خدا به عیسی ایمان می‌آورند. کاستنبرگر آیات بیشتری را به من نشان می‌دهد که به طرد شدن مربوط می‌شود.

آندریاس کوستنبرگر، الهیات انجیل یوحنا و رساله‌های او، صفحه ۴۵۹. ۸:۴۷. از یوحنا. هر که از خداست، کلام خدا را می‌شنود.

این هم یکی دیگر از جنبه‌های مثبت است. هر که از خداست، کلام خدا را می‌شنود. از خدا بودن منجر به ایمان می‌شود، منجر به باور کردن پیام خدا می‌شود.

دلیل اینکه آنها را نمی‌شنوی این است که از خدا نیستی. کلام من. پروردگار خوب مسائل را برای ما پیچیده می‌کند.

او فقط آن را رها نمی‌کند. ایمان بیاور، و نجات خواهی یافت. ایمان نیاور، و نجات نخواهی یافت.

او در واقع این را به ما ارائه می‌دهد، تقدیرگرایی مضاعف. ۱۰، ۲۵، ۲۶. ما بارها و بارها آن را دیده‌ایم.

تو ایمان نمی‌آوری چون گوسفند من نیستی. ۱۲. من به آن یکی برمی‌گردم.

از پدر خواهم خواست، ۱۴، ۱۶. او یاور دیگری به شما خواهد داد تا همیشه با شما باشد، روح. ۱۷، ۱۴. القدس، یعنی روح راستی، که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد، که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد.

جهان قادر به دریافت روح حقیقت نیست زیرا نه او را می‌بیند و نه می‌شناسد. در مقابل، شما او را می‌شناسید. پس این ماجرای طرد شدن است.

۸:۴۷. ۱۰:۲۵، ۲۶. ۱۴:۱۷.

و من فکر می‌کنم کاستنبرگر درست می‌گوید. ۱۲، فصل ۱۲، ۳۷ تا ۴۰. آنها نمی‌توانستند باور کنند.

وقتی عیسی این چیزها را گفت، یوحنا ۱۲:۳۶، او رفت و خود را از آنها پنهان کرد. او فقط گفت که او نور جهان است. جان داد، سی اچ داد، می‌گوید که هدف او برای بخش بعدی این است که نور پنهان شده است.

نور خودش را پنهان می‌کند. ترسناک است، اما خوب است. وقتی عیسی این چیزها را گفت، از آنها جدا شد. و خودش را پنهان کرد.

پایمانی آنها پیش‌بینی‌ها را به حقیقت تبدیل می‌کند. ای خداوند، چه کسی آنچه را که از ما شنیده باور کرده است؟ بازوی خداوند به چه کسی آشکار شده است؟ بنابراین، آنها نتوانستند ایمان بیاورند. زیرا اشعیا پیوند

پی‌ایمانی آنها پیش‌بینی‌ها را به حقیقت تبدیل می‌کند. ای خداوند، چه کسی آنچه را که از ما شنیده باور کرده است؟ بازوی خداوند به چه کسی آشکار شده است؟ بنابراین، آنها نتوانستند ایمان بیاورند. زیرا اشعیا

دوباره گفت: او چشمان آنها را کور کرده و دل‌هایشان را سخت ساخته است، مبادا با چشمان خود ببینند، با دل خود بفهمند و برگردند، و من آنها را شفا خواهم داد.

به نظر می‌رسد فصل ششم باشد. گفتنش سخت است، اما به نظر من «تنها کتاب مقدس» به این معنی نیست که ما فقط از کتاب مقدس در الهیات خود استفاده کنیم. ما مطمئناً به مراجع دیگر، به عقل، و امیدوارم از عقل خود و حتی تجربه نیز متوسل می‌شویم.

اما همه اینها به طور مداوم و عمدی تابع کلام خدا هستند و تنها کتاب مقدس مرجع نهایی ماست. وقتی این کار را انجام دهیم، من تسلیم شما خواهم شد و این را انجیل نمی‌دانم. من برادران و خواهران آرمینیایی‌ام را دوست دارم. صمیمانه این کار را می‌کنم.

من آنها را تشویق می‌کنم که کتاب‌هایی بنویسند که الهیاتشان را ترویج دهد. برایان شلتون، کتاب عالی در مورد فیض الهی. ببینید او آن را به چه کسی تقدیم می‌کند.

او همچنین آن را به یک برادر آرمینیایی تقدیم کرد که به او فیض الهی را آموخت و او را قادر ساخت تا میزبان خود را حفظ کند. به هر حال، انتخاب در یوحنا در این سه تصویر نشان داده شده است. پدر، مردم را به پسر می‌دهد.

پسر، انتخاب‌کننده است. او عامل انتخاب است و هویت پیشینی یا قبلی قوم خدا و همچنین کسانی که قوم خدا نیستند، وجود دارد. در سخنرانی بعدی خود، به موضوع باشکوه و سودمند نجات که به عنوان زندگی ابدی تلقی می‌شود، خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد الهیات یوحنا. این جلسه ۱۷، نجات، برگزیدگی است.